

# خبرنامه جنگ - ۹

- گفتگوی یک جنگ زده خرمشهری
- از نامه یک سرباز آگاه در جبهه خوزستان
- زخمی شدن یک زن زحمتکش در صف کوبین

صفحه ۴  
صفحه ۴  
صفحه ۴

ویژه جنگ ایران و عراق

## پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دوشنبه ۱۰ آذر - ۱۳۵۹ صفحه ۴

## اوضاع فلاکت بار زندگی آوارگان

صفحه ۳



چه کسانی باعث آوارگی توده های زحمتکش گردیده اند؟ رژیم جمهوری اسلامی رژیم جمهوری عراق مسبب اصلی فلاکت توده های ما هستند.

## جنبش آوارگان جنگ

### یاسدازان ارتجاع رودر روی آوارگان جنگ زده

رامهرمز:

در تاریخ ۸/۱۲، در یکی از دبیرستانهای رامهرمز، یکی از خانواده های جنگ زده که فاقد سرپناه بودند تصمیم میگرفتند که با چوب و حصیر "اتاقی" در مدرسه برای خسب و درست کنند، که با مخالفت شدید مدیر مدرسه روبرو میگرددند. خانواده زحمتکش که پس از تحمل سختیهای ناشی از جنگ ارتجاعی جان به لبشان رسیده بود، تحمل زورگوشی مدیر مدرسه را نکرده و با مله آهنی به او حمله ور میگرددند. مدیر هم یاسدازان ارتجاع عقبه در صفحه ۲

## پای صحبت زحمتکشان

### فریاد از گمرانی

انوسیل از ظروف طویل سبزین درمندان آراهی در مشهد، راننده به گمرانی سبزین اشاره کرد و میگوید مسافری گفت: "ملاصدوقی که چرا سبزین قمیتمن به برابر شد؟ برای اینکه سواد سوختی کافی برای جنگده ها داشته باشند!" راننده گفت: "سختی ما از این سعادتیست که تمام حارتهای جنگ از دسترنج ما تا من خواهد شد." مسافری دیگری گفت: "پس چرا فندوقک سیدانمشته شکر که مواد سوختی نیست، تمام این کمیون و گمرانی از جنگ ناشی میشود" سرجوانی گفت: "نه! سفا شکر و گوشت... چه ربطی به جنگ دارند همه اش تقصیرا جنگا رکنده هاست" (دیگری در پاسخ او گفت: "مگر محنتگرین چه کسانی جز ما به داران هستند که الان تمام قدرت و اختیارات سلطنت دست آنهاست، آنها هستند که از این عقبه در صفحه ۲

## رویزبونیست ها، نوکران سرمایه داران هستند

صفحه ۳

### صف کوبین بنزین و اعتراضات توده ها

بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۱ آبان نامه زیادی از زندگان تاکسی و تاکسی باربر برای تهیه کوپن بنزین به فرمانداری مراجعه و فرمهاست از هم پس از گذر وقتوس فراوان آنها را به بانک صادرات حسن آباد پاس میدهد. بعد از حروبحث بارش بانك صف مینندند پس از دادن کوپن به چند راننده تاکسی اعلام میکند که نمیتوانند بهوانت بارها کوپن بدهند. در این موقع راننده معابد اخل بانك میریزند ولی ما عورین عقبه در صفحه ۲

### بیکار شدن ۲۲۰۰ کارگر بندری خرمشهر!

کارگران و کارکنان شرکت های ایران ترمنال، سارومسی، سنیدورسنگ و... بندر خرمشهر که جمعا ۲۲۰۰ نفر هستند بعد از جنگ ارتجاعی و زمینهای ایران و عراق و اشغال خرمشهر برای رسیدگی موقع کار روزندگیشان در روزهای متعدد (۱۸ تا) و آخر آن به اداره سدروکتسیرانی مراجعه و حقوق عقب مانده شان را میخواهند ولی مسئولین شرکت ها با مطسوق همبستگی سرما به داران اعلام میکنند که این عقبه در صفحه ۲

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ پای ...

حک حمایت میکنند من خرده فروش یا راننده و کارگر!؟ راننده مزد آقا یا بزرده مالی که در خارج بود همش از آزادی مردم، از آزادی تلویزیون محبت میکرد پس چرا نمیکند از مردم از آزادی تلویزیون در دهها نشان را برای یکدیگر بگویند، چرا جوانان این کشور را شکنجه میدهند (با اشاره مجاهد و یزه سعادت) یا سا فرد دیگری افزود که: «حالاتی تحمل حرفهای نور چشم و عزیزان (اشاره به قطب زاده مرتضی) ندارند!»

### ● دود جنگ به چشم کارگران و دیگر زحمتکشان می رود:

زن زحمتکشی از اهالی زورآباد (کرج) از رنج و درد زحمتکشان صحبت میکرد. میگفت بسا هزار سبختی و کتک و زندان برق و آب گرفتیم. برق که به بهانه خاموشی، شبها قطع میشود و روزها هم گاهی یکی دو ساعت برق داریم. آب هم مثل سابق بیشتر قطع است. شوهرم کارگر است و چهار تا بچه داریم. روزی صد تومان مزد میگرفت پس از شروع جنگ ۳۰ تومان برای کمک به هزینه جنگ کم کرده اند و هر چه شوهرم و دیگر کارگران (پهل جا به قدیم کرج) اعتراض کرده اند نتوجهی نگردیده و حتی تهدید به اخراج کرده اند. ما این پول کم و کزانی چکار کنیم؟ خرج مدرسه بچه ها، خرج بیماری، خرج لباس و... و... و... ما هم غذای گرم نمی خوریم بهر حال که میرویم میگویند جنگ است و رفتی انقلاب! ندیال میگرددیم خوشبخت خواهیم شد ولی اصعبان عوض شد! حالا هم جنگ خوب بهانه آمده که ما را بزدوانند. بولداریها که طوریان نمیشود!

### ● مرگ خوبست ولی برای همسایه!

گروهی از زحمتکشان "زورآباد" در حدود ۱۵ نفر در مورد جنگ صحبت میکردند، تقریباً همگی با دولت مخالف بودند. زنی میگفت دولت ما هم در شروع جنگ تقصیر دارد، مگر بشود... زور دولتهای دیگر را عوض کرد (او بزبان ساده اشاره "مدور انقلاب اسلامی" اشاره میکرد). زحمتکشی میگفت "هی از مردمی خواهند جنگ ببرند، پس چرا خودتان نمی روید و جوانهای این کشور را به کشتن میدهند؟" همگی حرف او را تابیدند و میگرددیم و مرتب با کلماتی ساده خشم خود را نسبت به هیئت حاکمه نشان میدادند.

### ● زحمتکشان با جنگ ارتجاعی مخالفند!

در مسی بوس کرج - تهران محبت از جنگ بود و مشکل ممکن و گزاشی، نزدیک به سی نفر مسا ترکه اکثر کارگر و زحمتکشان بودند با جنگ مخالف بودند. دسته دسته هر کجا مراجع به یک

سوی از مشکلات گریسا نگیر زحمتکشان حرف می زدند. مسکن شمال شهری ها را با خانه های معفر خود مفا سه میکردند. یکی میگفت هیچ دهنده ای که یکی از بزرگان قوم مثل رستمجانی بسا بهشتی در جنوب شهر بسا مستمعان زندگی میکند. اکثر از عوام فریبی های دولت متغیر بودند. یک کارگر اکیانان که کله مددی هم در دستش بود میگفت دولت بسا مسکن ندا در جلاهم مسخوا هم ما را سه حصه بفرستند. ما کارگران اکیانان ۴۰۰۰ نفریم که یکمده که اهل کیلان تریب بودند بسا طرفا سوادهان به جبهه رفته اند و الا هیچکدام ما را حار مستقیم به جنگ برویم. بسا جنگ برای ما هیچ سودی ندارد جز قحطی و بیچارگی این کله مدرا هم برای رفقا بیم گرفته ام. در سن ۲۸ ما فقط یک نفر مدافع برخواست جمهوری اسلامی بودند ما میخواست عوام فریبی کندها اعتراض دیگران رو برو میشد و همین جهت هم کمتر حرف میدزد. زحمتکشان میان سالی با صدای رسا میگفت: «عربزای من ما از این دولت جز اینها انتظار می نداریم، سرمایه داری ذاتش همینطور است، بگذار جنگ تمام شود و مسرد م بدبختی های جنگ را بیشتر و بیشتر کنی. آتوقت عمر این رژیم نیز کوتاه تر خواهد شد.

### ● جنگ بلای جان زحمتکشان!

زن کارگری از سختی و گزاشی زندگی صحبت میکرد. میگفت که: «چاه نقلاسی گهی چیز عمو من تنده، سا خانه دادند، نه، تازه ما این جنگشان روز بروز فشارشان هم بیشتر شده، در کارخانه های میگویند بیشتر کار کن، دیگه کم و گردن برایم نماده از بس حبه مردم». میگفت: «در این جنگ کی ها کشته میشوند؟ چیه بچه های ما؟» زن زحمتکشی دیگری از اهالی جنوب تهران میگفت: «با این جنگ همه چیز گزاشیده، فشار جنگ بیشتر روی دوش ما فقیرها ست. آقا فکرمه هر کی کشته شده از جوانان با شین شهر بوده» میگفت «با این جنگ و بعد از آن پول اینهمه بلعه ها را کس میخواست هدیه دهم ما؟»

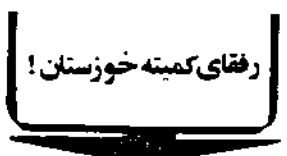
مرد زحمتکشی که مستخدم بود میگفت "هی شو رادیو- تلویزیون میگویند فلان جا را تا نبود کردیم و اینقدر تانگ و... تا بودند، ما این حساب میبایست تا بسا دیش رفتن با شد ولی می بستیم که خبر شهر را می گیرند، معنی این حرف اینست که اینها همه اش دروغ میگویند" آقا فکرمه: «بکنفر میگفت آبی دزد را بگیرند، یک نفر دیگری شده او میگفت که در دهه بسا است او را بگیرند، با لخره معلوم شد که کدام دزد هستند، حکایت دولتهای ما (اشاره به ایران و عراق) هم حکایت همین "دزد را بگیر" است.

زن زحمتکشی که شوهرش کارگر کارخانه ارج است میگفت که دوروز حقوق شوهرش را اینها سه

بقیه از صفحه ۱  
سلح بانک و شهرپانی آنها را بیرون میکشند و زحمتکشان راننده در مقابل بانک جمع شده و شمار میدهند و شروع به بحث مینمایند و نظرات رانندگان قاطعتر میشود.

رانند کار میگفت: «اینها جنگ را راه انداخته اند عید بختی اش را باید ما بگیریم. تا کسی ملت ما باید فدای این رژیم شود». اغلب رانندگان او را تائید کردند و کسی مخالفتی بسا گفته وی نکرد.

ساعت ۴ ورع راننده ها با فشار وارد بانک شدند و هر از نیم ساعت بلا تکلیفی سرزنگه گیتف- چی ها تپیدند. پاسداری شروع به نطق کرد: «بسم الله الرحمن الرحیم دولت جمهوری اسلامی به کسی باج نمی دهد... که راننده ها با هو صحبتش را قطع کردند. او اضافه کرد که می توانید اول ترمینالید و کپین بگیرند و باید بانک را ترک کنید ولی آنجنان خنسی راننده ها - ها را فر گرفته بود که کسی را با زاری آرام کردن - نشان نبود. آنها از زحمتکشان در انقلاب و از وضع زندگیشان و اینکه باید شکم بچه هایشان را سیر کنند گفتند و متحده انه در مقابل پاسداریان استادگی کردند و بالاخره توانستند با اتحاد عمل خود و ضمن افشاگریهای فراوان همانروز کپین بنزین دریافت کنند. فرماند ار سعی کرد چند بار آنها را به فرمانداری بکشاند ولی آنها بتوطئه های ارتجاع آشنا بودند و تار سیدن به حد فشان محل بانک را ترک نکردند و باز هم ثابت کردند که اتحاد زحمتکشان در هر هم کوبنده ارتجاع است. ■



### رقبای کمیته خوزستان!

ع شماره از خبرنامه جنگ از انتشارات کمیته خوزستان سازمان پیکار بدست ما رسید. بسا ارج نهادن به تلاش شهادت انکاش مسائل و اخبار مربوط به جنگ ارتجاعی کنونی و سازمان دهی مبارزات توده ها، موفقیت شمارا در انجام وظایف مبارزاتی آرزو میکنیم. ■

جنگ کم کرده اند ولی روی ورقه رسیدن نوشته اند برای خرید معمول و قسط خرید معمول را هم از او گرفتند و کارگران هم قصد دارند اعتراض کنند. زحمتکشان که با راهی این جنگ ارتجاعی را بدوش می کشند، در مقابل تشبثات رژیم بزبان به اعتراض کشوده اند.

باش تا صبح دولتش بدند  
کابین هنوز آرتشایج سحر است ■

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

نقیه از صفحه ۱ روبرویونست ها ...

● برای رویزیونستهای "اکثریت"

ارتش آزادیمخش ویتنام  
و پاسداران یکی است

کرمسار: هواداران اکثریت فدائیان برای فریب مردم اقدام ستا، شیک فیلم کوتاه از بهرامشهای خلق ویتنام در مسارزه علمیبه امیرالاسلم خونخوار آمریکا نمودند. پس از پایان فیلم یکی از رویزیونستهای "اکثریت" در مورد مسارزه خلق ویتنام صحبت کرده و آسرا تا جنگ فعلی ایران و عراقی ماسبه کرده و نقش پاسداران در ماباره ارتش آزادیمخش ویتنام مفاصبه کرده و از آنها ستایش میکند که مورد اعزاز مردم آگاه و هواداران نیروهای انقلابی قرار میگیرد. شک رویزیونستها که تاریخ مبارزات خلفها را برای خدمت بسه سوزواری تعریف میکنند.

● رویزیونستهای فدایی (اکثریت)

همدوش پاسداران ارتجاع

(۷/۲۵)

هواداران سازمان رویزیونستهای فدایی (اکثریت) که به تمسدا ز منی سوزوایشان کمرهت بدفاع از رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بسته اند مراسم تجلیلی که از طرف روابط عمومی سپاه پاسداران را مهر موزه خاطر کشته شدن محمدیورکیان (فرمانده سپاه راهبرزی) و احمدی (معاون سپاه پاسداران جوزستان) برگزار شد، شرکت نموده و با بیگای پاسداران ارتجاع شمارهای آنها را تکرار میکردند:

"ما همه بیروخط امامیم"، "پاسداران گلهای انقلابند"، "ارتشبان سنگرانقلابند"، "ارتشبان سنگرانقلابند" و هنگامیکه یکی از پاسداران از توده های آواره شهرهای جنگ زده میخواهد که به شهرهای جنگی برگردند با تا بسدا اکثریتی ها روبرو میشوند.

از طرف دیگر همین هواداران که سبب باسداران در تکبانی و گشت محلات همکساری میکنند، هواداران سازمان ما را به هنگام بخت اعلامیه در یکی از محلات راهبرزمسورد تصعب قرار میدهند و در توجیه کارشان بسه هواداران بیگار گفته اند که "اگر شما اعلامیه بخش کنید، بیجه های ما را میکوبند!"

حساست به انقلاب و نوکری و جاسوسی بسرای سوزواری، حرفه همه رویزیونستهای خاشن است.



نقیه از صفحه ۱ اوام ...

● وضعیت آوارگان مستقر در شادگان

از آنجا که بعضی شادگان عرب نشین میاند اکثر خلق عرب جنگ زده غرضه و آبادان بسه آنجا کوچ کرده اند و در جاده راهائی که هلال احمد را ختیارشان قرار داده، زندگسی میکنند.

وضع بهداشت آوارگان بشدت خراب است و انواع بیماریها (از حطه وبا و مالاریا) و جانورانی مانند عقرب و مار صحرایی نیز جان زحمتکشان را تهدید میکند.

چون شادگان گنجایش جمعیت بیش از ۲ هزار نفر را نداشته و همگامون جمعیت به ۲۰۰ هزار نفر رسیده، مواد غذایی نیز بسختی پیدا میشود. رژیم با توافق تمام بدوینا بنگه حتمی همکاری برودن مشکلات تود معای جنگ زده راه منفرس را میدهد و فرطند ارتجاعی را برای فریب زحمتکشان به سراغ آنها میفرستد و وی با آوارگان اعلان میکند که "از آنجا که این منطقه جنگی است و امکان آمدن سیل نیز وجود دارد، خود را مسئول میدانیم شما را از این منطقه خارج سازیم و به جیرفت کرمان و نجف آباد میفرستیم".

یکی از مسئولین هلال احمد در جواب سشوال "اگر مردم مقاومت کردند، چه خواهید کرد؟" پاسخ میدهد: "چادرها را از آنها میگیریم و هر جا که خواستند بروند چون ما نمیکد اربابنجا کسی باشد؟"

موایل رژیم در وضعی بکد بگرا قاش میکنند: یکی میگوید برای کمک میخواهیم آوارگان را انتقال دهیم، وی میگوید اگر چادرها را ندهند از آنها میگیریم!

اما آوارگان زحمتکس بخری ماهیت ارتجعی رژیم جمهوری اسلامی را نشان میدهند. آنها میدانند که بخاطر رد و برگردن آوارگان از دیگر مردم صبر کند نمودن آنها در شهرهای مختلف اولاً تشکل و همبستگی آنان را زمین بردود و ما مانع اوقام این زحمتکشان باتوده ها میس شوند. بهمین خاطر آوارگان در مقابل ایس توطئه مقاومت کرده و شهرزاترک نمیکوند. آوارگان بحق میگویند که اگر آنها آسایش ما را میخواهند در همینجا کمود های ما را بر طرف کنند.

"زحمتکشان آواره فریب نیرنگهای رژیم ارتجعی را نخواهند خورد".

● وضعیت آوارگان ساکن راهبرزم

آوارگان مستقر در راهبرزم مانند سایر نقاط با کمود شده سکن، غذا بهداشت روبرو میباشند. بعلت کمبود امکانات پزشکی

و دارویی و نبود بهداشت و نظافت در محل سکونت زمینه شیوع بیماریهای مختلف از شبه وبا گرفته تا اسهال و استفراغ و چشم درد، بویزه در بین کودکان، خطر صد های بشمار میآید. در همین رابطه فرزند یک زن عرب به طت تسبب شدید و نبود پزشک، یک ماه پیش طح میشود. اکثراد و بسه خانوار درون یک اتاق مدرسه با جایی مشابه زندگی میکنند و صد های از آوارگان در کنار خیمایان بسر میبرند. و در مقابل خواستشان برای سکن شهر در رژیم ارتجعی پاسخ سر بالا بد آنها میدهد.

باز هم بگد رژیم ارتجعی جمهوری اسلامی در بوز و کزنا بد که آوارگان را از همه گونه وسائل رفاهی بر خوردار میکند. اما حطین را نمیتوان پوشاند. رژیم بر صتای ماهیت ضد مردمی خود نمیتواند کوچکترین کاری بسفغ زحمتکشان انجام دهد.

● وضعیت جنگ زدگان خوزستانی

در دانشگاه صنعتی اصفهان

آوارگان اسکان داده شده در اینجامم مانند سایر نقاط از نظر احتیاجات اولیه در ضیقه هستند و رژیم ارتجعی با بی احتیایی خود بفلاکت آنها خشم انقلابی آنها را لحظه به لحظه افزونتر میکند. علاوه بر مرگ و میر کودکان در اینجا، روزانه ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر که بعلت نبود پتوسایر وسایل گرمکن آفولانزا گرفتارند پشت در بیداری بانتظار می نشینند.

وقتی زنان زحمتکس برای گرفتن شمبرای کودکانشان به مسئولین مراجعه میکنند، بسه جای شمبرای محض و ناساز و روبرو میشوند. از کمک های که مردم میکنند هیچ خبری نیست و زن زحمتکس میگفت: "انگار ما از جیب پدرشان میخوریم، جنگ را خودشان برآه انداخته و ما را بی خانمان کرده اند و الان فکر میکنند که بسا صدقه سر میدهند".

علاوه بر اینها رژیم علاوه بر اتای کرد بسا در میان آوارگان جاسوسی گمانته تا زهر گونه حرکت و روحیه انقلابی آنها با خیر گردد. نفرت بر این رژیم که توده ها را آواره کرده، آنها را تحت سختترین شرایط قرار داده و در میان آنان به جاسوسی میر دازد.

● وضعیت آوارگان مستقر در

اداره "مالاریای کرمان"

صد های از زحمتکشان آواره در اداره مالاریای کرمان مستقرند مانند وضعیت بهداشتی آنان مانند سایر شهرهای مشابه بسیار اسفناک است، تعداد شیرهای آب کم و

جنگ برای توده های ایران و عراق فقط فلاکت و بدبختی بار میآورد

### گفتگوی یک جنگ زده خرمشهری

گروهی از کارکنان جنگ زده آموزش و پرورش در ساختمان مرکزی اسروراتخانه در میسندان فلسطین جمع شده بودند. از سردی که با زوبین را کج گرفته بودند علفش را بریدم با صدای گرفته و خسته پاسخ داد: "یک تیر به دست و دو تیر سیای چپش اما بایت کرده اند اما در حرم شهر هنگامیکه برای شحات به هسما به از در خانه بیرون رفته شتر خورده ولی نواسته جان به رعایت دهد." علت آمدنش را به اداره پرسیدم آهی کشید و جواب داد: "از دست این بیشرها، شوهر خوارم در خرمشهر کشته شده، معلم بود، آمده ایم حقوقش را بگیریم. ما هزار تن هستیم و در بدری و پیران برمان روانه اینجا میمان کرده اند، حالا برادرم رفته بیست خوشنویسان بهمنجهه میگوید، در مورد خانه و زندگیشان پرسیدم گفت: "ای ما با خون و زندگی دیگه کجا بود، همه را عراقیها سوزانده و غارت کردند و برودند عراق، دیگه خون و زندگی وجود ندارد که معنایی بدهد، همه مردم تمام هستی خود را ساد داده اند، فقط در جاله های که کهنه است زندگی میگردیم، برادرسو و تلویزیون همش دروغ میگفته که در هوا زو غروب میری نیست، اینها یک منت شرف بیشتر هستند، این لباس که تن ماست مال مردم است آدمش تهران و برسان آشنای دوری خدمت، سیرا هم برای باستان دستم باره کردند و تلوارم راهم بخاطر ایام." پرسیدم فکر میکنی این جنگ بیخ کنیست؟ جواب داد: "خوب، معلومه بیخ خودشان ادامه داد: "پله این جنگ تنها بود ما به داران دو کشور است و بفرما زحمتکشان، تا زمانت را ساز میکنی که با ما نون نیست، نفت نیست... و... میگویند حرف نزن وضعیت جنگیه، جنگ هم بیهانه عوسی شده، مگر قبل از جنگ هم سطور نموده؟ در استموقع برادرش برکت و گفت "هج حساب منضمی ندا و گفت "بروید تا بعد" و پس با ختم و نعت به رژیم و فریاد زن خدا حافظی کردند و رفتند (۵۹/۸/۱۸) -

بسمه از صفحه ۱

شرکت ها منحل شده اند یعنی بریان ماده حالاکه می توانیم تبارا استعمار کنیم، ما بدینکاری نکنند. مبارزه کارگران این بندر همچنان ادامه دارد!

آری، روز بروز بیشتر آشکار میشود که ایس جنگ پس سرمایه داران ایران و عراق فقط برای توده های ممالک و بدبختی به ارمنستان می آورد.

بسمه از صفحه ۱  
جنس ...  
را برای سرکوب خانواده جنگ زده بکسک مطالبید که با سواران با ایجاد رعب و وحشت، مانع از ساختن سرپناه میگرددند. زحمتکشان آواره، دیگر از این کار بیخشم آمده و ضمن محکوم کردن عمل ارتجاعی پاسداران بانسان جنگ ارتجاعی را به باد دشنام گرفتند.

### ساواک یا ستاد امداد!

۸/۲۲  
ستاد امداد مستقر در یکی از دبیرستانهای رامهرمز، فرمایشی به آوارگان ساکن در مدرسه میدهد که در آن از آوارگان خواسته شده که تعهد نمایند در صورتیکه مهیا با فریستای بعمل سکونت آنها بیاید، حتما به ستاد گزارش دهند. در غیر این صورت مسئول عواقب ناشی از آن خواهند بود! واضح است که مقصود مسئولین ارتجاعی ستاد از مهیمان و فریبه، نیروهای آگاه و کمونیستی است که برای دیدن وضعیت آوارگان و توضیح ظل آن بعمل سکونت آنها میروند و بسمن خاطر رژیم زیر پوشش ستاد امداد دست به تشکیل ساواک میزنند. تا بحال باطل خود از آگاه شدن آوارگان جلوگیری کنند.

### از نامه یک سرباز آگاه

#### در جبهه خوزستان

"... این توده های مردم و سربازان که اکثر آنها بسته به طبقات زحمتکشان هستند میباشند که برای حفظ منافع سرمایه داران و در پی اهداف ارتجاعی ولید بورژوازی به گوشت دم تسوی تبدیل شده و کشته میشوند.

... نیروی هوایی، مناطقی سکونی عراق را بمباران میکند و توده های عراقی را کشتار هم. چنانکه خلق قهرمان کرد را در کشور خود مسان بمباران و سرکوب کرده و میکند.

... من نمیخواهم و آرزوی کشته شدن در جبهه و در این لباس راهزنگ نداشته و ندارم و آرزو میکنم بتوانم سالم از اینجا به آمده و در جایی دیگر و در راه هدف مقدس و ولای طبقه کارگر و زحمتکشان و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق همچون دیگر بیکارگران دلیر بیکارنمایم.

توانتها اغلب کتف میباشند. اناقها کوچک و از لحاظ وسایل زندگی بسیار وضعیت میباشند حتی اناقی که دیوار به دیوار با یکی از توانتها بود، حفره بزرگی داشت که بوی تعفن فضای اناق را پر میکرد. بچه های آوارگان از رفتن به مدرسه محروم هستند، چون علاوه بر برداشتن بیروندهای سال قبل هزینه خرید کتاب و دفترچه برایشان میسر نمیشاند.

رژیم ارتجاعی زحمتکشان آواره با سردم کرمان و نیروهای انقلابی و اوج گیری مبارزات آنان بشدت جلوگیری نمود میاگارد به اساس در بین آوارگان برپاکنده نمودن آنها صمیمی در جلوگیری از مبارزات برحق آنان دارد اما آوارگان زحمتکشان در هر کجا که باشند مبارزه خود را بر طبقه رژیم ادامه خواهند داد!

### وضعیت آوارگان خوزستانی در بروجرد

هم اکنون در حدود ۲۰۰ نفر از هموطنان جنگ زده خوزستانی که اکثر آنان بچه های کوچک میباشند در مدارس و مساجد شهر بروجرد بسر میبرند و هر سه با چهار نفر خانوار در یک اتاق ۴×۳ زندگی میکنند. احتیاج شیوع بیماریهای واگردد از بسیار است، کیفیت غذا بسیار پایین بوده و به خاطر سوء تغذیه اغلب مریض میباشند. لباس و پتو نداشتن کافی وجود ندارد و مسئولین ارگانهای رژیم مانع در هرگونه کمک مردم در این زمینه میشوند و به آنها میگویند که باید کمکها را به انجمن اسلامی تحویل دهند تا آنها پخش نمایند ولی مردم به علت عدم اعتقاد به رژیم ترجیح میدهند کمکها را مستقیما به آوارگهان برسانند. رژیم حاکم اغلب کمکهای رایگان مردم را بایا به آوارگان به قیمت گران میفرستد و با مال او این کمکها را می دزدند.

### زخمی شدن یک زن زحمتکش

#### در صفا کوپن

روز دوشنبه ۲۴ آبان، عدای از مردم زحمتکشان "اسلام شهر" که برای دریافت کپسک به بانک صادرات رفته بودند به نحوه توزیع غیر عادلانه کپسک و فقر و فلاکت ناشی از این جنگ اعتراض میکنند که طبق معمول خود را با پاسداران ارتجاعی و پرور میبینند، پاسداران برای متفرق نمودن مردم شروع به تیراندازی هوایی میکنند که یکی از تیرها پس از اصابت به تابلوی آنرا شکسته و شیشه های آن رگ گردن یکی از زنان زحمتکشان صفا را پاره میکند. عدای دیگر در حین فرار، بر اثر گیر کردن به سیمهای خاردار زخمی میشوند.

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست